

انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی

مرتضی شیرودی

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی قم

چکیده

بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران، معتقدند که انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع مسلمانان بوده است. از این‌رو، در مقاله حاضر به برخی از این آثار می‌پردازیم. در آغاز مقاله به وجوه مشترکی که زمینه تأثیرگذاری متقابل انقلاب اسلامی و جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر را فراهم می‌آورد، اشاره شده است. این در حالی است که وجوه افتراقی نیز که بین آن‌ها وجود دارد، آثار مثبت تأثیرگذاری متقابل را کاهش می‌دهد. پس از آن، بازتاب انقلاب اسلامی در بعد سیاسی و فرهنگی بر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر مورد بررسی قرار می‌گیرد، در پایان یک نمونه، از هزاران نمونه‌ای که در این‌باره وجود دارد، یعنی حزب‌الله لبنان مورد استناد قرار می‌گیرد.^(۱)

واژه‌های کلیدی: امام خمینی، اسلام، انقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی، حزب‌الله

(لبنان).

مقدمه

اقبال لاهوری در کتاب فلسفه خودی^(۱) پیش‌بینی می‌کند که تهران در آینده قرارگاه مسلمانان خواهد شد.^(۲) «پس از انقلاب اسلامی نیز . . . ایران به صورت ام‌القرای دارالاسلام» درآمد.^(۳) حتی ایران میتواند به علت «موقعیت منحصر به فرد . . . و منابع عظیم و بی‌پایان انرژی، ابزار فرهنگی و اعتقادی نیرومند»^(۴) به مرکز سامان‌دهی تمدن نوین اسلامی درآید. زیرا انقلاب اسلامی ایران، «در پیدایش، در کیفیت مبارزه و در انگیزه . . . از سایر انقلابات جداست.»^(۵) و میتواند در پیامدها و دستاوردها نیز، متمایز و پیشروتر از سایر انقلابات باشد. این ویژگی‌ها، ریشه در دین و باورهای برخاسته از مذهب دارد. این انقلاب بر آمده از مذهب هم، به احیای دین و تجدید حیات اسلام در ایران و جهان مدد رساند که یکی از ابعاد آن، تولد و تداوم جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر در دو دهه اخیر است. به این دلیل، چند سؤال در این باره وجود دارد، از جمله:

- ۱- چرا انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر تأثیر گذاشت؟
 - ۲- انقلاب اسلامی ایران، چه تأثیراتی بر حرکت‌های سیاسی اسلامی معاصر گذاشت؟
 - ۳- میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر نهضت‌های سیاسی اسلامی چقدر است؟
- این مقاله در صدد است، به این سؤالات سه گانه پاسخ گوید.

بسترهای تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی

در پاسخ به این سؤال که چرا انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر تأثیر گذاشت؟ میتوان به موارد مشترک فراوان موجود بین انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر اشاره کرد. این وجوه مشترک، تأثیر متقابل انقلاب اسلامی معاصر را فراهم آورد. این زمینه‌ها که از آن‌ها به عنوان عوامل همگرایی یا عناصر همسویی و هم‌رنگ نیز میتوان یاد کرد، عبارتند از:

۱- **ایده واحد:** انقلاب اسلامی ایران، گرچه یک انقلاب شیعی است، ولی همانند هر مسلمان و هر جنبش اسلامی دیگر، به وحدانیت (لااله الا الله) اعتقاد دارد، به رسالت پیامبر اکرم (ص) (اشهد ان محمداً رسول الله) معتقد است، کعبه را قبله آماال و آرزوهای معنوی خود می‌داند، قرآن را کلام خداوند سبحان و آن را منجی بشریت گمراه تلقی می‌کند، و به دنیای پس از مرگ و قبل از آن، به صلح، برادری و برابری ایمان دارد.^(۶) همانگونه که امام خمینی (ره) فرمودند: «در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است، با هم توحید کلمه کنید.»^(۷) البته ویژگی کاریزمایی امام خمینی (ره) و مواضع ضد استعماری وی که بیشتر مسلمانان جهان بر آن اتفاق نظر دارند، بر تأثیر متقابل انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی افزود.^(۸)

۲- **رقیب یکسان:** انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی دارای دشمن مشترکند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا (شیطان بزرگ) و اسرائیل (غده سرطانی) است، همانند کفار قریش، مغولان وحشی، صلیبیون مسیحی، استعمارگران اروپایی و صرب‌های نژادپرست و... کیان اسلام را تهدید می‌کند، در حالی که انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی و نه غربی» علم مبارزه علیه دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است.^(۹) امام خمینی (ره) در این باره فرمود: «دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال این‌هاست که می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند، و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند، این دشمن مشترک را دفع کنید.»^(۱۰)

۳- **آرمان مشترک:** انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و به اهتزاز درآوردن پرچم لاله الا الله در سراسر جهان از طریق نفی قدرت‌ها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده‌های مردم‌اند. به سخن امام خمینی (ره)، در این مورد توجه کنید: «همه در میدان باشند، با هم باشند، ما می‌خواهیم حفظ اسلام را بکنیم، با کناره‌گیری نمی‌شود حفظ کرد، خیال نکنید که با کناره‌گیری تکلیف از شما سلب می‌شود.»^(۱۱) البته برخی از جنبش‌های سیاسی اسلامی، تنها خواستار عمل به احکام اسلام در کشورهای خود و برخی نیز در پی تشکیل یک

حکومت مستقل، بدون تأکید بر شکل اسلامی حکومت هستند.^(۱۲) از این رو، میتوان گفت، جنبش‌های اسلامی معاصر حیات خود را مدیون انقلاب اسلامی اند. زیرا انقلاب اسلامی به اسلام و مسلمانان حیاتی تازه بخشید، آن‌ها را از عزلت و حقارت نجات داد، بر ناتوانی مارکسیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم در اداره و هدایت مسلمانان مهر تأیید زد، و اسلام را به عنوان تنها راه حل برای زندگی سیاسی مسلمین مطرح ساخت. شیخ عبدالعزیز عوده، روحانی برجسته فلسطین گفته است: «انقلاب خمینی (ره)، مهم‌ترین و جدی‌ترین تلاش در بیدارسازی اسلامی... ملت‌های مسلمان بود.» بنابراین، موجودیت و هستی سیاسی جنبش‌های سیاسی اسلامی به انقلاب اسلامی وابسته است. این امر زمینه‌های لازم برای تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی را فراهم آورده است.^(۱۳)

۴- وحدت گرایي: تکیه انقلاب اسلامی و رهبری آن بر لزوم وحدت همه قشرها و همه مذهب‌های اسلامی در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی، زمینه دیگر گرایش جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر به سوی انقلاب اسلامی است. چون انقلاب اسلامی به تأسی از اسلام ناب محمدی (ص) هیچ تفاوتی بین مسلمانان سیاه و سفید، اروپایی و غیرروپایی قایل نیست، بر جنبه‌های اختلاف برانگیز در بین مسلمین پای نمی‌فشارد، بلکه با ایجاد دارالتقرب فرق اسلامی، برپایی روز قدس، صدور فتوای امام خمینی (ره) علیه سلمان رشدی و برگزاری هفته وحدت و... در جهت اتحاد مسلمانان گام برداشته است. به همین دلیل، طیف گسترده‌ای از گروه‌های غیرشیعی و حتی جنبش‌های آزادی بخش غیراسلامی، انقلاب اسلامی ایران را الگو و اسوه خود قرار داده‌اند.^(۱۴) بنابراین جای شگفتی نیست که مسلمان‌های سنی فلسطینی به نام و یاد امام خمینی (ره) به عملیات شهادت طلبانه دست می‌زنند. مجیب الرحمان شامی، روزنامه نگار پاکستانی در این باره می‌گوید: «تأثیر بزرگ دیگر امام این است که گرچه ایشان یک رهبر شیعه بودند... با این وجود مبلغ جدایی نبودند، فریاد او برای اسلام بود.»^(۱۵)

۵- مردم‌مداری: مردم‌گرایی انقلاب اسلامی، عاملی در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است. انقلاب ۵۷ و رهبری آن، بر این باور بودند که باید به ملت‌ها بها داد نه به دولت‌ها. به عنوان مثال، حج و اهمیت و ارزشی که ایران اسلامی به آن می‌داد،

یکی از مقولاتی است که نشان دهنده مردم‌گرایی انقلاب ایران است. زیرا امام خمینی (ره)، حج را از یک مراسم عبادی خارج کرد، آن هم از طریق زنده کردن برائت از مشرکین که آن نشانی از برائت از مشرکین توسط پیامبر (ص) در صدر اسلام است. اگرچه تاوان مردمی کردن حج، کشتار حدود ۴۰۰ زائر ایرانی در حج سال ۱۳۶۶ بود، ولی سه سال بعد که بار دیگر، پای ایرانیان به مکه بازگردید، فریاد برائت از مشرکین حجاج همچنان باقی ماند، البته در مقیاسی محدودتر.^(۱۶)

همه آنچه را که بین ایران انقلابی و جهان اسلام وجود دارد، وجوه مشترک نیست بلکه اختلاف‌ها و دشواری‌هایی نیز در این باره به چشم می‌خورد. از جمله:

الف - تشیع امامیه: نسبت شیعیان به کل مسلمانان جهان، ده درصد است. آن‌ها به جز ایران و سوریه، حاکم بر قدرت سیاسی نیستند، با این که در کشورهای چون عراق و بحرین و شاید در لبنان، اکثریت با شیعیان است. نوعی معارضه تاریخی بین شیعه و سنی وجود داشته و دارد. البته تضاد تسنن وهابی و نزدیکی تسنن سوری با انقلاب اسلامی بیشتر است، و حتی تسنن متأثر از تصوف نیز تضاد کمتری با شیعه دارد. سپاه صحابه در پاکستان، طالبان در افغانستان از مصادیق مبارز مخالفین تشیع در جهان اسلام‌اند. به هر روی با وجود وحدت‌خواهی و وحدت‌طلبی انقلاب ایران، تضاد اهل سنت با شیعه، به کلی از بین نرفته است.^(۱۷)

ب - عرب و فارسی: تعارض بین عرب و عجم، از آغاز ورود اسلام به ایران پدید آمد. جریان شعوبه نمونه‌ای از این تعارض قومی است. عباسیان و امویان و نیز عثمانیان و صفویان، به نوعی دیگر این معارضه را دامن زدند، و جنگ عراق علیه ایران به عنوان جنگ قادسیه یا مهم‌ترین جنگ بین مسلمانان و ساسانیان و در واقع بین ایرانیان و عرب‌ها توجیه می‌شد. به هر روی آنان ایرانیان را مجوس می‌دانستند و براین اساس، اعراب را برابر با اسلام و ایرانیان را مخالف با آن می‌دیدند.^(۱۸)

ج - صدور انقلاب اسلامی: برخی از شعارها و پیام‌های انقلاب اسلامی، مثل این سخن امام (ره) "نهضت ما دارد توسعه پیدا می‌کند و می‌رود توی ملت‌ها..."^(۱۹) از سوی برخی به منزله قصد ایران برای مداخله در سایر کشورها و براندازی نظام‌های سیاسی آن‌ها تلقی شد. در حالی که، یک سال بعد از سخن فوق امام فرمود: "صدور با سرنیزه، صدور نیست. صدور آن وقتی

است که اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلامی، اخلاق انسانی، این‌ها رشد پیدا کند.^(۲۰) معظم له در جای دیگر فرمود: "معنای صدور انقلاب ما، این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری‌هایی که دارند... نجات بدهند."^(۲۱) در مجموع با وجود همه دشواری‌هایی که برای برقراری روابط ایران انقلابی و جهان اسلام و تأثیرپذیری متقابل آن دو وجود دارد، ولی وجوه مشترک آن دو بسیار بیشتر است.

تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی

در پاسخ به این سؤال که انقلاب اسلامی ایران، چه تأثیراتی بر حرکت‌های سیاسی اسلامی معاصر گذاشت؟ به آثار متعدد و متنوع میتوان اشاره کرد. پرداختن به همه این آثار، از حوصله این مقاله خارج است. بنابراین تنها به بخشی از این بازتاب، در دو قسمت سیاسی و فرهنگی اشاره می‌کنیم:

الف - انعکاس سیاسی: در این قسمت به پاره‌ای از بازتاب‌های سیاسی سه مقوله "انتخاب اسلام به عنوان ایدئولوژی مبارزه" "تلاش برای دست‌یابی به حکومت اسلامی" و "نقش انقلاب اسلامی بر حیات سیاسی جنبش‌های اسلامی" می‌پردازیم: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، تجدید حیات اسلام در جهان است. آیت‌الله خامنه‌ای - مقام معظم رهبری - در این باره فرمود: "با وجود گذشت بیش از یک صد و پنجاه سال از برنامه‌ریزی مدرن و همه‌جانبه علیه اسلام، امروز در سراسر دنیا یک حرکت عظیم اسلامی به وجود آمده است که به موجب آن اسلام در آفریقا، آسیا و حتی در قلب اروپا، حیات جدیدی را باز یافته و مسلمانان به شخصیت و هویت واقعی خود پی برده‌اند."^(۲۲) به بیان دیگر، عمر دوره‌ای که اعتماد به نفس در میان مسلمانان، به ویژه در قشر تحصیل کرده آن از بین رفته و شمار فراوانی از آنان، خواهان هضم شدن در هویت جهان بوده و گذشته خود را به فراموش سپرده و اگر توجهی به گذشته می‌کردند از باب تفتن و سرگرمی بود، به پایان رسید، و انقلاب اسلامی آن اعتماد به نفسی که روزگاری پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی بود، احیا و بارور کرد.^(۲۳)

این تجدید حیات اسلام، آثار مختلفی را برای جنبش‌های اسلامی به ارمغان آورد. یکی از این آثار، انتخاب اسلام به عنوان بهترین و کامل‌ترین شیوه مبارزه است. سخن‌گوی جهاد اسلامی فلسطین در ملاقات با امام خمینی (ره) در این باره گفت: «انتفاضه بارقه‌ای از نور و بازتابی از پیروزی‌های بزرگ انقلاب شماس، انقلابی که بزرگ‌ترین تحول را در عصر ما بوجود آورد.»^(۲۴) در حالی که قبل از آن، اسلام در صحنه مبارزه علیه اسراییل نقش چندانی نداشت.^(۲۵) چنین رویکردی به معنای کنار گذاشتن اندیشه‌های غیرمذهبی به ویژه ناسیونالیسم، لیبرالیسم و کمونیسم و دور ریختن اندیشه جبری بودن سرنوشت انسان بود که همگی در نجات ملل اسلامی از چنگال استبداد داخلی و خارجی ناتوان بودند. به عقیده شیخ عبدالله شامی، یکی از رهبران مبارز فلسطینی «پس از انقلاب اسلامی ایران، مردم فلسطین دریافتند که برای آزادی، به قرآن و تفنگ نیاز دارند.» این درحالی است که برای چند دهه حرکت‌های انقلابی، اغلب در اختیار گروه‌های مارکسیستی بود. به هر روی، انقلاب اسلامی، تأکیدی بر بعد سیاسی اسلام بود، و از آن پس، در برخی از کشورها، سازمان‌های مخفی شکل گرفت و مبارزه مسلحانه بر پایه اسلام، سامان‌دهی شد.^(۲۶)

روی آوردن به مبارزه براساس اسلام، تنها نتیجه تجدید حیات اسلام که آن را برخی اصول‌گرایی یا بنیادگرایی اسلامی می‌نامند، نیست. بلکه در گرایش جدید «اسلام تنها راه حل» برداشت نوین و تازه‌ای از اسلام صورت گرفت که در آن مسلمین به ایستادگی، مقاومت پافشاری برای نیل به حقوق خویش تشویق شده‌اند. روزگاری این کار، از سوی حسن‌البناء و سید قطب در جنبش اخوان المسلمین انجام می‌شد، ولی انقلاب اسلامی، اسلام انقلابی را به صورت جدی‌تر درآورد و مطرح ساخت. البته این ستیزه‌جویی انقلابی، تنها به معنای روی آوردن به اسلحه نخواهد بود، چون در آن شیوه‌های مسالمت آمیز، مشابه آنچه حزب اسلام‌گرای رفاه در ترکیه برگزید، نیز دیده می‌شود.^(۲۷)

نظام اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، به صورت بهترین الگو و مهم‌ترین خواسته سیاسی مبارزان مسلمان درآمد. یکی از رهبران مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در این باره گفت: ما در آن موقع می‌گفتیم اسلام در ایران پیروز شده است، و به

زودی به دنبال آن در عراق نیز پیروز خواهد شد. بنابراین باید از آن درس بگیریم و آن را سرمشق خود قرار دهیم.^(۲۸) به بیان دیگر، انقلاب اسلامی، حدود ۱/۵ میلیارد مسلمان را برانگیخته و آنان را برای تشکیل حکومت الله در کره زمین به حرکت درآورد.^(۲۹) این رویکرد، در اساس نامه، گفتار و عمل سیاسی جنبش‌های اسلامی سیاسی معاصر به شکل‌های مختلفی مشاهده می‌شود.

علاقه جنبش‌گران مسلمان به ایجاد حکومت اسلامی به صورت زیر ابراز شده است:

الف: برخی از گروه‌های اسلامی در جهان تسنن به صورت آشکار هراسی از مخالفت با دولت‌های نامشروع ندارند، و به احادیثی که اطاعت از حاکم اسلامی را در هر شرایط لازم دانسته، چندان توجهی نمی‌کنند، بلکه خواهان استقرار حکومت اسلامی و یا نظام مصطفی(ص) در کشورشان شده‌اند، و آن را برخی از گروه‌ها در اساس نامه (مانند مجلس اعلای انقلاب عراق) و یا در اعلامیه‌های خود (مانند حزب الدعوه) و... مطرح کرده‌اند. البته برخی از جنبش‌های اسلامی (مانند کشمیر و افغانستان) دست‌یابی به استقلال سیاسی را اولین هدف سیاسی خود، قبل از تأسیس حکومت اسلامی قرار داده‌اند.^(۳۰)

ب: بعضی از گروه‌های اسلامی دیگر با طرح لزوم اجرای شریعت اسلامی (مانند نهضت جمعیت ارشاد اسلامی مصر) و یا با ترجمه کتاب حکومت اسلامی امام خمینی(ره) (مانند اليسار الاسلامی مصر) و یا با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها راه حل (مانند جبهه نجات اسلامی الجزایر)^(۳۱) و... علاقه‌مندی خود را برای برپا کردن یک حکومت اسلامی ابراز کرده‌اند. آیت‌الله محمدباقر صدر هم قبل از شروع جنگ تحمیلی در تلاش بود، رژیم عراق را سرنگون و یک حکومت اسلامی به شیوه حکومت ایران یعنی جمهوری اسلامی برپایه ولایت فقیه به وجود آورد. در قیام سال ۱۳۷۰ش. / ۱۹۹۱م. شیعیان عراق، میل به تأسیس حکومت اسلامی در رادیو صدای انقلاب عراق به گوش می‌رسید.^(۳۲)

ج: برخی از حرکت‌های دیگر اسلامی، خویش را از دایره تنگ ناسیونالیسم خارج کرده و خواهان برپایی یک نظام اسلامی بر پایه امت واحد مسلمان از خلیج فارس تا اقیانوس اطلس شده‌اند (مانند رابط الدعوه الاسلامیه در الجزایر) و یا این که براساس اصل ولایت فقیه و قبول آن، از رهبری انقلاب اسلامی ایران پیروی می‌کنند. این دسته از گروه‌ها، دو گونه‌اند: دسته‌ای که از

لحاظ عقیدتی و مذهبی خود را مقلد رهبری انقلاب اسلامی ایران می‌دانند (مانند جنبش امل در لبنان)، و دسته‌ای که هم از لحاظ سیاسی و هم مذهبی از رهبری انقلاب اسلامی ایران تبعیت می‌کنند (مانند جنبش حزب‌الله لبنان).^(۳۳)

گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی مذکور، برای نیل به یک نظام مبتنی بر اسلام، شیوه و روش‌های مختلفی را در پیش گرفته‌اند. برخی تنها از طریق اقدام قهرآمیز و مسلحانه (مانند حزب‌الله حجاز) و کودتا (مانند جنبش آزادی بخش بحرین) درصدد نابود کردن رژیم حاکم هستند. در نقطه مقابل، گروه‌هایی قرار دارند که شرایط فعلی را برای دست زدن به اقدامات مسلحانه مساعد نمی‌دانند، و با توسل به شیوه‌های مسالمت آمیز از قبیل شرکت در انتخابات پارلمانی در پی تغییر نظام موجود هستند (مانند حزب اسلام‌گرای رفاه). اما گروه‌های دیگر هم وجود دارند که به هر دو روش پایبندند، جنبش حزب‌الله نمونه‌ای از این گروه است که در مصاف با اسرائیل و حکومت مارونی لبنان و به منظور استقرار حکومت اسلامی به دوروش متمایز و در عین حال مکمل هم یعنی جنگ با اسرائیل و شرکت در انتخابات مجلس روی آورده است.^(۳۴)

انقلاب اسلامی ایران در تولد و تحرک سیاسی بسیاری از جنبش‌های اسلامی سیاسی نیز نقش داشته است. چنین تأثیری با مروری بر پرونده سیاسی جنبش‌های اسلامی دهه‌های اخیر به روشنی دیده می‌شود.

برخی از گروه‌های اسلامی سیاسی، تولد و موجودیت خود را مدیون انقلاب اسلامی اند. این گروه‌ها دو دسته‌اند، دسته‌ای که از یک جنبش اسلامی غیرفعال پیشین منشعب شده‌اند (مانند امل اسلامی از جنبش امل و جنبش جهاد اسلامی از اخوان المسلمین فلسطین، در واقع بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه فعال شد).^(۳۵) و دسته‌ای که وابسته به جنبشی و گروهی نبوده‌اند، بلکه موجود و پدیده‌ای جدیدند (مانند نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان) اگرچه دسته اخیر بیش از دسته نخست، مدافع و متأثر از انقلاب اسلامی است، اما همه این گروه‌ها در دفاع از انقلاب اسلامی ایران، پیروی از رهبری آن و نیز الگو قرار دادن آن اشتراک نظر دارند.

بعضی دیگر از گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی اسلامی به تأثیر از تجدید حیات اسلام که از ثمرات انقلاب اسلامی ایران در قرن اخیر است، از حالت رکود، رخوت و انفعال خارج شده‌اند، و با نیرو و سازمان‌دهی جدیدی به مبارزه نظامی و سیاسی علیه حکومت و دولت‌های حاکم پرداخته‌اند. به عنوان مثال حرکت اسلامی در دانشگاه‌های النجاف، بیرزیت، غزه، بیت‌المقدس و الخلیل، به نحو چشمگیری پس از انقلاب اسلامی گسترش و توسعه یافت^(۳۶) و یا فعالیت گروه جامعه المسلمین که حضوری محدود در نوار غزه داشت، در پی انقلاب اسلامی ایران و نیز به دنبال احکام صادره از سوی دادگاه نظامی رامله علیه اعضای آن، افزایش پیدا کرد.^(۳۷) بخشی از این گروه‌ها، تنها به افزایش حجم فعالیت‌های خود اقدام کرده‌اند و در روند مبارزه به شیوه‌های مسالمت‌آمیز توجه دارند. بخشی دیگر بر شدت و حجم تلاش‌های ضد دولتی خود افزوده‌اند، و با تکیه بر روش‌های مسلحانه در صدد نابودی رژیم‌های حاکم هستند. سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب از گروه نخست و جبهه اسلامی سوریه از گروه دوم محسوب می‌شوند.

انقلاب اسلامی ایران در تحریک سیاسی آن دسته از جنبش‌های به ظاهر اسلامی که هیچ‌گونه و یا کمترین علقه‌ای به انقلاب اسلامی ندارند، هم به شکل دیگری مؤثر بوده است. این گروه‌ها که با تولد انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با آن متولد و یا گسترش یافته‌اند، با کمک دولت‌ها و اشخاص مخالف انقلاب اسلامی و به ویژه با پشتیبانی و با حمایت مالی دولت‌هایی چون دولت پادشاهی عربستان سعودی شکل گرفته‌اند. وهابیت در پاکستان، ساف در فلسطین اشغالی و سازمان پیکار اسلامی در عراق، نمونه‌هایی از این گروه‌ها به شمار می‌روند. به همین جهت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، صف اسلام سازش کار (اسلام آمریکایی) از صف اسلام ناب محمدی (ص) به صورت کامل جدا شده است. از این‌رو، کشورهای عربی مسلمان برای جلوگیری از ظهور قیام مردمی متأثر از انقلاب اسلامی، تلاش زیادی را برای بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی و تظاهر به اسلام آغاز کرده‌اند.^(۳۸)

ب - تأثیر فرهنگی: امور فرهنگی از آن حیث مهم هستند که پایه و اساس امور زمینه‌ساز امور سیاسی‌اند. به این دلیل، رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرند، و در مقوله سیاسی، شایستگی مطرح شدن را می‌یابند. از این‌رو، در این بخش، فقط چند مقوله فرهنگی بازگشت به

ارزش‌های مبارزه اسلامی، پیروی شعائر و شعارهای انقلابی ایران و... مطرح می‌شود. البته ذکر این چند مورد به معنای آن نیست که سایر امور فرهنگی بی‌اهمیت است.

انقلاب اسلامی ایران ارزش‌های فرهنگی نوینی را در مبارزه سیاسی جنبش‌های اسلامی مطرح کرد. یکی از این ارزش‌ها، گرایش به جهاد است. جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران، جهاد، شهادت و ایثار جان را به عنوان اصول اساسی پذیرفته‌اند. به بیان دیگر، اصولی چون جهاد، شهادت و فداکاری که سمبل حرکت‌های انقلابی شیعیان و شعار انقلاب اسلامی بود، به عنوان اصول اساسی مبارزه پذیرفته شد، و به آن با دیده تکلیف و فریضه دینی می‌نگرد. سخن‌گوی جنبش جهاد اسلامی فلسطین در دیدار با امام (ره) و در خطاب به ایشان گفت: «با ظهور انقلاب شما، ملت مسلمان و بزرگ ما فهمید که راهش، راه جهاد و مبارزه است.» شیخ اسعد تمیمی یکی از رهبران فلسطینی در این باره گفت: «تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد غایب بود، حتی در عرصه واژگان، به عنوان مثال به جای جهاد از کلماتی چون نضال و کفاح استفاده می‌شد.»^(۳۹) البته جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر، این کلمات را به شکل‌های مختلفی چون عملیات شهادت طلبانه (مثل فلسطین) و یا مبارزه مسلحانه و جنگ (مانند افغانستان) به کار گرفته‌اند.^(۴۰)

مردمی بودن که یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران است، در جنبش‌های سیاسی اسلامی راه یافته است. به عبارت دیگر، این جنبش‌ها دریافته‌اند که اسلام توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد. بر این اساس، آن‌ها از اتکا به قشر روشنفکر به سوی اتکا به مردم گرایش یافته‌اند، و در نتیجه پایگاه مردمی خود را گسترش داده‌اند. به عنوان مثال هسته اصلی مبارزه در فلسطین را روحانیون، دانشجویان، جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. به هر روی، پس از انقلاب اسلامی ایران، جنبش‌ها، مبارزات خود را به صورت مردمی پی‌می‌گیرند. به عقیده دکتر حسن‌التراب رهبر جبهه اسلامی سودان، انقلاب اسلامی اندیشه کار مردمی و استفاده از توده‌های مردم را به عنوان هدیه‌ای گران‌بها به تجارب دعوت اسلامی در جهان اسلام عطا کرد. گرایش به اندیشه کار مردمی، جنبش‌های اسلامی را به سوی وحدت‌طلبی مذهبی و قومی سوق داد. به عنوان مثال، یکی از مواد بیانیه شش ماده‌ای مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، بر وحدت اسلامی تکیه دارد. در

مجموع، این امر، جنبش‌های اسلامی سیاسی را از اختلاف و تفرقه دور ساخته و آن‌ها را از تشکیلات قوی‌تر، امکانات وسیع‌تر، حمایت گسترده‌تر و پایداری بیشتر برخوردار ساخت.^(۴۱)

شکل دیگر تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر، به تقلید شعارهای انقلاب اسلامی از سوی جنبش‌گران مسلمان یرمی‌گردد. به عنوان مثال شعار مردم مسلمان معترض ترکیه، قبل از کودتای سال ۱۳۵۹ آن کشور، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. شهروندان کابل بر فراز بام منازل خود فریاد الله اکبر سر می‌دادند، در پلاکاردهای مسلمانان مصر شعار لاشرقیه و لاغربیه دیده شده است. مردم کشمیر در راهپیمایی دویست هزار نفری سال ۱۳۶۹ شعار الله اکبر و خمینی رهبر را مطرح کردند. جهاد اسلامی فلسطین بر آن است که فلسطینی‌ها همان شعارهایی را سر می‌دهند که انقلاب اسلامی منادی آن بود. آن‌ها با فریاد بلند فریاد می‌زنند، لاله‌الاله، الله اکبر، پیروزی از آن اسلام است. در واقع، آن‌ها شعارهای قوم‌گرایی و الحادی را به یک سو انداختند، و شعارهای انقلاب اسلامی را برگزیدند. در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ در خیابان‌های کیپ تاون آفریقای جنوبی شعار و ندای الله اکبر، بسیار شنیده شد. این یادآور و مؤید این کلام رهبری انقلاب است که فریاد الله اکبر مردم الجزایر بر پشت‌بام‌ها درس گرفته از ملت انقلابی ایران است.^(۴۲)

جنبش سیاسی اسلامی معاصر به تأثیر از انقلاب اسلامی ایران از مسجد سرچشمه می‌گیرد و به مسجد و اماکن مقدسه ختم می‌شود. حتی دانشجویان انقلابی، حرکت‌های ضد دولتی خود را از مسجد دانشگاه‌ها سامان می‌دهند. بدین‌سان مساجد رونق تازه‌ای یافته‌اند، و مرتب بر ساخت مساجد تازه افزوده می‌گردد. به عنوان مثال، تعداد مساجد ساخته شده در فلسطین طی سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ سه برابر سال‌های قبل از آن بود. و نیز برنامه‌های مساجد افزایش یافته، گفت و گوی‌های سیاسی در مساجد زیاد شده گرایش به مسجد و نمازهای جمعه و جماعت فزونی گرفته و مساجد بیش از گذشته به مرکز مخالفت‌های ضد دولتی تبدیل گردیده است. هسته‌های اصلی مبارزه از درون مساجد و با فکر و اندیشه اسلامی شروع و گسترش یافت و مبارزات به شکلی مردمی و همه‌جانبه درآمد. و به همین دلیل، دومین مرحله انتفاضه که در ماه‌های پایانی سال ۱۳۷۹ شکل گرفت، به انتفاضه‌الاقصی معروف است، قبل از آن نیز، به انتفاضه، انقلاب مساجد می‌گفتند.

شاید به این علت، امام جماعت مسجدالاقصی می‌گوید، مسجد به صورت منبع الهام، ثبات و پیوستگی مبارزان فلسطینی علیه اشغال‌گران در آمده است.^(۴۳)

از دیگر مظاهر انقلاب اسلامی ایران که در پیروان جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر دیده می‌شود، حجاب است. با پیروزی انقلاب اسلامی، گرایش به حجاب اسلامی در اقصی نقاط جهان اسلام فزونی گرفت. حتی در برخی از کشورهای اسلامی چون لبنان و الجزایر، چادر که سمبل حجاب ایرانی است، مورد استفاده قرار گرفت. در ترکیه، با وجود مخالفت‌های دولتی، رعایت حجاب رو به گسترش است. زنان فلسطینی گرایش بیشتری به حجاب پیدا کرده‌اند، در کنار آن، گرایش به نماز بیشتر شده، انتشار مجلات و نشریات اسلامی افزایش یافته و مشروب‌فروشی‌ها و مراکز فساد و فحشاء مورد حمله زیادی قرار می‌گیرند. حجاب اسلامی، حتی تا دل اروپا هم نفوذ کرده است، به گونه‌ای که گرایش به حجاب در مدارس فرانسه و مخالفت مکرر دولت این کشور با حجاب، پدیده‌ای به نام جنگ روسری را پدید آورده است.^(۴۴)

یکی دیگر از آثار فرهنگی انقلاب اسلامی ایران بر حرکت‌های اسلامی و سیاسی معاصر، تظاهرات به سبک ایران است که در برخی از کشورهای اسلامی اتفاق افتاد. به عنوان مثال مردم شهرهای عراق، چون نجف و کربلا در تأیید انقلاب اسلامی ایران و به تاسی از آن، در روز ۲۳ بهمن سال ۱۳۵۷، تظاهراتی شبیه به ایران برپا نمودند. در پی آن، تظاهراتی به شکل ایران در شهرهای کاظمین، الثوره، بغداد و دیاله به رهبری آیت‌الله محمدباقر صدر برقرار شد. حتی در آغاز انتفاضه جدید مردم عراق، یعنی در سال ۱۳۷۰، آن‌ها همانند تظاهرات کنندگان ایرانی مخالف شاه در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، شهر حلبچه را به خمینی شهر نام‌گذاری کردند، و کنترل شهرها را به دست گرفتند. شیعیان عربستان سعودی اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شهرهای قطیف، صفرا، اباقیق، خنجی و شیهات دست به تظاهرات زدند. تظاهرات مشابهی در سال ۱۳۵۷ در شهرهای قونیه، یوزکات و کوچاییلی ترکیه صورت گرفت. این روند، کم و بیش در سال‌های بعد نیز ادامه یافت.^(۴۵)

شعار نویسی به شیوه مبارزان انقلابی ایران مورد توجه جنبش‌گران مسلمان است. به عنوان مثال، مردم مصر در مخالفت با رژیم مبارک، شعارهای لااله الاالله، محمد رسول‌الله(ص) و آیات

قرآن را بر روی شیشه اتومبیل می‌نویسند. در نجف، شعارهایی از قبیل بله به اسلام و نه به عفلق بر روی دیوارها نوشته می‌شد. در انتفاضه ۱۵ شعبان سال ۱۳۷۰ عراق، شعار النجدی یا ایران به چشم می‌خورد. علاوه بر آن، اعلامیه‌ها سخنرانی‌ها و پوسترها به شکل مشابه آنچه در ایران اتفاق افتاد، در کشورهای اسلامی چاپ و انتشار می‌یابد. هنوز در منطقه شیعه‌نشین بیروت یعنی ضاحیه، شعارهای انقلاب اسلامی و تصاویر رهبری آن وجود دارد.^(۴۶)

بازتاب انقلاب اسلامی، بررسی یک نمونه: بهترین پاسخ به این پرسش که انقلاب اسلامی به چه میزان بر جنبش‌های اسلامی معاصر تأثیر گذاشته است؟ معرفی و توصیف مصادیق است. البته مصادیق متعددند، اما برخی از آن‌ها دارای برجستگی بیشتری هستند. در این مورد، لبنان و حزب‌الله برجسته‌ترین نمونه است.

بین ایرانیان و لبنانی‌ها، علقه‌های فراوانی چون پیوندهای تاریخی علما و مردم جیل عامل با ایران دوران صفویه، فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روحانی بلند آوازه ایرانی، امام موسی صدر به عنوان رهبر شیعیان لبنان، تشکیلات برجای مانده از او یعنی جنبش امل، حضور شیعیان بسیار در لبنان، کمک‌های انسان دوستانه جمهوری اسلامی ایران محرومان لبنانی، مهاجرت و سکونت دایم مقداری از اتباع لبنان در ایران و... وجود دارد. این پیوندها باعث شده است که انقلاب اسلامی ایران بیش از هر جا در لبنان مؤثر باشد. این تأثیر در زمینه‌های متعددی مشاهده می‌شود. در زمینه فرهنگی، تعداد زیادی از تصاویر بزرگ امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در نقاط مختلف لبنان به چشم می‌خورد. بر روی دیوارهای آن عکس شهدایی دیده می‌شود که جان خود را در راه مبارزه علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی (دشمن شماره یک ایران) از دست داده‌اند. مردان با ظواهر اسلامی در خیابان‌ها در رفت و آمد هستند. زنان ملبس به حجاب اسلامی‌اند و در اجتماعات عمومی، جایگاه زنان از مردان جداست، و مردم لبنان از ایران به عنوان یک دولت انقلابی و اسلامی حمایت می‌کنند.^(۴۷)

در لبنان، حزب‌الله بیش از هر گروه سیاسی اسلامی دیگر، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. علاوه بر زمینه‌های مشترک موجود بین ایران و لبنان، انگیزه‌های دیگری موجب چنین تأثیر شگرف شده است. این انگیزه‌ها را میتوان در پذیرش رهبری انقلاب اسلامی به عنوان

رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب الله و کمک‌های تسلیحاتی، مالی و ... ایران به حزب الله خلاصه کرد. هم چنین حزب الله از لحاظ اقتصادی و اجتماعی با اعطای کمک‌ها تحصیلی به مستضعفان، توزیع داروی رایگان بین بیماران، تقسیم آب بین نیازمندان، ارائه خدمات درمانی به محرومان، البته در پرتو حمایت ایران به شدت فعال است. در عین حال از لحاظ نظامی از اسلحه و جنگ جدا نیست، بلکه برپایه اصل جهاد همواره آماده پاسخ‌گویی به حمله احتمالی دشمن صهیونیستی است، و در این باره، اعضای حزب الله لبنان بر اساس شعار اسلامی امام خمینی (ره) یعنی اسرائیل باید از بین برود، قسم یاد کرده‌اند که جنگ با اسرائیل را تا آخرین لحظه ادامه دهند. در بعد فرهنگی حزب الله شعارهایی را از انقلاب اسلامی به عاریت گرفته و سمبل‌های انقلاب اسلامی را سمبل خود می‌داند. پیروزی حزب الله در دو دهه از فعالیتش علیه اسرائیل در مقایسه با فعالیت ۴۰ و ۵۰ ساله ساف، نشان از سودمندی استفاده از شعارهای اسلامی و جهاد مقدس علیه اشغال‌گران و عدم اتکا به کشورهای دیگر در مبارزه ضد اسرائیلی دارد.^(۴۸)

حزب الله لبنان در بعد سیاسی هم به شدت از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته است و بر خلاف جنبش امل به رهبری انقلاب ایران را در دو بعد سیاسی و مذهبی و بر پایه اصل ولایت مطلقه فقیه پذیرفته‌اند. به همین جهت از مواضع منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران حمایت به عمل می‌آورند، و در پی تأسیس حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی در لبنان هستند. حسین موسوی رهبر جنبش امل اسلامی در این باره می‌گوید: «ما به جهان اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی مادر ماست. دین ما، ملکه ما، خون ما و شریان حیات ماست.»^(۴۹) در مجموع میتوان گفت که علت توفیق حزب الله دو چیز است: اول، به مبارزه رنگ اسلامی زد، شعارهای اسلامی برگزید، جهاد علیه اشغال‌گران را اعلام نمود. دوم، بدون اتکا به کشورهای دیگر، مبارزه خود را اداره کرد و آن را به انجام رسانید. که هر یک از این دو علت توفیق نیز، برگرفته از انقلاب اسلامی ایران است.

نتیجه گیری

انقلاب اسلامی تلاشی برای زنده کردن خدا در محور حیات انسان^(۵۱) و نیز، روشی برای زندگی فراتر از همه اختلافات ملی، قومی و مذهبی بود.^(۵۱) به بیان دیگر، انقلاب اسلامی از انقلاباتی است که حرکت و آثارش در چهارچوب مرزهای یک کشور خلاصه نمی‌شود، بلکه دیدگاه فراملی دارد. از این رو، بر روی ملت‌ها حساس است و تمایل به فراگیر شدن دارد. بنابراین، بر جنبش‌های اسلامی سیاسی معاصر تأثیر گذاشته، و به آنان جرأت و جسارت مبارزه داده است، و به آنان می‌گوید اسلام به ملتی خاص تعلق ندارد و هدف آن، نجات محرومان و مستضعفان است. نتیجه آن که، انقلاب اسلامی چراغ رستگاری و نجات را برافراشته است، البته این که مسلمانان، به ویژه جنبش‌های اسلامی بتوانند از نور این چراغ به هدایت و سعادت نایل آیند، به عوامل متعددی بستگی دارد که مهم‌ترین آن، اراده و تلاش آن‌ها در چهارچوب اسلام و با الگوگیری از انقلاب اسلامی است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- انورابوطه، "تأثیر امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی در اندیشه و عملکرد جنبش جهاد اسلامی فلسطین"، ترجمه مهدی سرحدی، فصل‌نامه حضور، شماره ۳۳ (پاییز ۱۳۷۹) ص ۹۸-۸۰.
- ۲- فصل‌نامه راهبرد، شماره ۱۲ (زمستان ۱۳۷۵) ص ۸.
- ۳- محمدجواد لاریجانی، مقالاتی در استراتژی ملی (تهران: ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹)، ص ۶.
- ۴- فصل‌نامه راهبرد، شماره ۱۲ (زمستان ۱۳۷۵) ص ۱۰.
- ۵- امام خمینی(ره)، وصیت‌نامه سیاسی - الهی (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸) ص ۷.
- ۶- انور جندی، اسلام و جهان معاصر، ترجمه حمیدرضا آژیر (مشهد: آستان قدس، ۱۳۷۱) ص ۲۶-۲۵۷.
- ۷- امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۲۲، ج ۲ (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص ۳۳.
- ۸- رسول جعفریان، مقالات تاریخی، ج ۷، ج ۵ (قم: الهادی، ۱۳۷۸) ص ۲۳۸.
- ۹- جندی، همان.
- ۱۰- امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۸۹.
- ۱۱- همان، ج ۲۰، ص ۶.

- ۱۲- جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۲) ص ۹۹.
- ۱۳- همان، ص ۱۱۴ و ۱۰۰.
- ۱۴- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۶، ص ۷۶۸.
- ۱۵- فصل‌نامه حضور، شماره ۳۴ (زمستان ۱۳۷۹) ص ۱۴.
- ۱۶- جعفریان، همان، ص ۲۴۱.
- ۱۷- همان، ص ۲۴۳.
- ۱۸- همان، ص ۲۴۵.
- ۱۹- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۴۵.
- ۲۰- همان، ج ۱۳، ص ۲۶۳.
- ۲۱- همان، ص ۱۲۳.
- ۲۲- کیهان (۲۲ آذر ۱۳۶۹) ص ۱۲.
- ۲۳- جعفریان، همان، ص ۲۳۶.
- ۲۴- حسین کرهرودی، "انتفاضه فلسطین مولود اصول‌گرایی اسلامی معاصر"، فصل‌نامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۴ (تابستان ۱۳۸۰) ص ۱۹۹.
- ۲۵- کدیور، همان، ص ۱۰۸.
- ۲۶- جعفریان، همان، ص ۲۴۷ و ۲۳۷.
- ۲۷- همان.
- ۲۸- محمدحسین جمشیدی، "ارتباط متقابل انقلاب اسلامی ایران و جنبش شیعیان عراق"، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ج ۲، ج ۲ (قم: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۴) ص ۳۹۱-۳۹۴.
- ۲۹- جمهوری اسلامی (۴ بهمن ۱۳۷۱)، ص ۸.
- ۳۰- دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، ج ۲، ج ۲ (تهران: سازمان ارتباطات فرهنگی، بی‌تا) ص ۳-۴۸.
- ۳۱- جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی چرایی و چگونگی رخداد آن (قم: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸) ص ۲۱۳.
- ۳۲- جمشیدی، همان.

- ۳۳- حمید احمدی، «انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه عربی، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم (تهران: سفیر، ۱۳۶۹) ص ۱۵۷-۱۱۷.
- ۳۴- دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، همان.
- ۳۵- کدیور، همان.
- ۳۶- همان، ص ۱۱۴.
- ۳۷- هادی خسروشاهی، حرکت‌های اسلامی در فلسطین (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰) ص ۱۴۳.
- ۳۸- کدیور، همان، ص ۱۰۸، جعفریان، همان، ص ۲۴۷.
- ۳۹- کرهرودی، همان.
- ۴۰- جعفریان، همان.
- ۴۱- کرهرودی، همان، ص ۳۰۵.
- ۴۲- جمشیدی، همان. کرهرودی، همان، ص ۲۹۹. جمهوری اسلامی (۱۳/۳/۷۶) ص ۸.
- ۴۳- کرهرودی، همان. مهدی حسنی، فلسطین و صهیونیسم (قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۶) ص ۸۱.
- ۴۴- دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، همان.
- ۴۵- همان.
- ۴۶- جمشیدی، همان. جعفریان، همان.
- ۴۷- دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، همان.
- ۴۸- همان.
- ۴۹- کدیور، همان، ص ۱۱۶.
- ۵۰- فصل‌نامه حضور، شماره ۲۷ (بهار ۱۳۷۸) ص ۷۰.
- ۵۱- فصل‌نامه حضور، شماره ۳۴ (زمستان ۱۳۷۹) ص ۱۴.